

متن پرسش

سلام خبری که در لینک زیر آمده را مشاهده بفرمایید:

[/http://www.zoomit.ir/۲۰۱۶/۷/۱۶/۱۳۳۳۲۰/man-without-۹۰-percent-brain-conscious](http://www.zoomit.ir/۲۰۱۶/۷/۱۶/۱۳۳۳۲۰/man-without-۹۰-percent-brain-conscious)

این خبر مربوط به فردی است که ۹۰ درصد مغز خود را از دست داده ولی در هوشیاری کامل به سر می‌برد. این مثال می‌تواند برای جا افتادن برخی مباحث در حوزه معرفت النفس که استاد مطرح کرده‌اند مفید باشد. متن خبر بدین شرح است: «برخلاف آن چیزی که معمولا انتظار داریم، دانسته‌های ما نسبت به هوشیاری و عملکرد مغز ناقص است. به نظر می‌رسد هوشیاری کاملا به مغز مرتبط باشد، اما چطور فردی که ۹۰ درصد از مغز خود را از دست داده به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد. برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ مطالعه‌ی موردی یک مرد فرانسوی در مجله‌ای علمی به چاپ رسید. در زمان چاپ مقاله، این فرد ۴۴ سال داشت و مقاله بیان می‌کند که این فرد بدون دانستن وضعیت خود بدون هیچ مشکلی به زندگی روزمره ادامه می‌دهد. این فرد برای اولین بار به دلیل درد و ضعف در پای سمت چپ به دکتر مراجعه و پزشک معالج نیز برای بررسی بیشتر اسکن‌های مغزی بیمار را مشاهده می‌کند. در عین ناباوری بیشتر حجم مغز فرد از مایع در زیر لایه‌ای از غشای خارجی تشکیل شده بود و همچنین قسمت‌های داخلی آن تقریبا از بین رفته بودند. پزشکان معتقدند مغز بیمار در طول سی سال گذشته از بین رفته و مایع جایگزین آن شده است؛ وضعیتی که در علوم پزشکی هیدروسفالی نامیده می‌شود. در خردسالی بیماری او شناخته و طی یک عمل جراحی یک استنت در بدن وی کار گذاشته می‌شود که در ۱۴ سالگی پزشکان از بدن وی خارج می‌کنند، از همین موقع تا ۴۴ سالگی مغز بیمار رو به تخریب می‌رود. اسکن مغزی با این حال علیرغم تخریب مغز، این فرد ناتوان نیست و با وجود داشتن آی کیو ۷۵ به عنوان خدمتکار رستوران فعالیت می‌کند. همچنین وی متاهل بوده و دو فرزند دارد. مطالعه بر روی این فرد دانشمندان را با سوالاتی جدید روبه‌رو کرده؛ چه عاملی باعث سلامت این فرد شده است؟ تا قبل از این پزشکان معتقد بودند که هوشیاری با ناحیه‌هایی از مغز، کلاستروم و لوب پس‌سری، ارتباط دارد. با فرض این ادعا نمی‌توان دلیلی بر هوشیاری بیمار فرانسوی پیدا کرد؛ تئوری‌های هوشیاری باید توانایی پاسخ به مورد مرد فرانسوی را در خود داشته باشند. به نظر می‌رسد که نمی‌توان ناحیه‌ی معینی از مغز را به عنوان مسئول هوشیاری در انسان معرفی کرد. دکتر اکسل کلیرمن از دانشگاه آزاد بروکسل در این مورد می‌گوید: هوشیاری بر پایه‌ی تئوری‌های غیرمفهومی در مورد مغز استوار است. هوشیاری توسط تجربه یعنی تعامل با دنیای اطراف به دست می‌آید و این به معنای یادگیری مداوم است. در نتیجه بخش‌های مختلفی از مغز در سازوکار

هوشیاری سهیم هستند. نظریه‌ی دکتر کلیمن به Radical Plasticity Thesis معروف و با تحقیقات جدید در مورد نقش فعال‌تر و منعطف‌تر مغز در برخورد با مسائل و مواجهه با نقص‌های فیزیکی سازگار است. در این نظریه برای رسیدن به آگاهی تنها داشتن اطلاعات کفایت نمی‌کند و باید از وجود این اطلاعات نیز باخبر و نسبت به آن حساس بود. کلیرمن ادعا می‌کند که مغز همواره و به صورت ناخودآگاه در حال یادگیری است که پایه‌ی هوشیاری فرد را ایجاد می‌کند. ولی در مورد بیمار فرانسوی این نظریه صدق می‌کند؟ کلیرمن ادعا می‌کند که اگرچه درصد زیادی از مغز این فرد تخریب شده، ولی نورون‌های قسمت‌های باقیمانده فرد را به سطح آگاهی می‌رسانند؛ یعنی فرد در انجام اعمال خود هوشیار است. با این حال نظریه‌ی کلیمن در نوع خود جدید به نظر نمی‌رسد و هر روز ما تحقیقات جدیدی را در مورد تطبیق‌پذیری مغز در شرایط مختلف شاهد هستیم. در تازه‌ترین تحقیق دانشمندان با تحریک نورون‌های مغز موش موفق تکثیر و بدست آوردن قدرت بینایی شدند. تمام این تحقیقات نشان می‌دهند که تا چه حد مغز انسان قدرتمند است و می‌تواند حتی با ده درصد از ظرفیت خود فرد را در سطح هوشیاری کامل قرار دهد. همچنین این یافته‌ها امید به درمان بیماری‌هایی که باعث آسیب‌های مغزی و عصبی می‌شوند را در آینده افزایش می‌دهند. منبع SCIENCEALERT»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از آنجایی که منبع اصلی آگاهی انسان، نفس ناطقه‌ی اوست و نفس انسان جهت امورات خود اعضایی را برای خود شکل می‌دهد تا بتواند برنامه‌های خود را از طریق آن اعضاء انجام دهد، می‌توان گفت نفس آن فرد توانسته است با حداقل عضو، برنامه‌های خود را پیش ببرد. و همین‌طور که متوجه‌اید این پدیده نشان می‌دهد که اصل آگاهی و منبع شعور انسان، چیزی غیر از بدن اوست. موفق باشید